



خبرنگاران مجاهد در مجلس خبرگان شدت مصروب شد

تخلی شکر و خنده و زندان، توهین و آزار و تهمت و افترا و خلاصه انواع فشارها و آزارها را در این اجتماع بنا بر مجاهد و فدکاری در راه خدا و خلق است.

خاطراتی از «پدر طالقانی»

در صفحه ۵

چند توطئه علیه مجاهدین

در صفحه ۵

بمناسبت هفته اعتصاب زندانیان سیاسی فلسطینی

در صفحه ۱۱ و ۱۲

سال اول (شماره ۷) - دوشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ - سال

روحانیت شیعه بر سر دوراهی تاریخی

پیام مجاهدین به روحانیت مبارز:

اگر روحانیت امروز به مسئولیت تاریخی خود عمل نکند از صحنه تاریخ محو میشود، ولی البته اسلام انقلابی همچنان جاودان خواهد ماند

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

ملاحظه میشود که فقیه چیزی است یا لااثر از عالم. بهار دیگر هرکس کلمه چیزی را میفهمد نسبت به آن چیز عالم است. ولی علوم نیست که در آن فقیه هم باشد. چرا که لازمه فقیه بودن رسوخ درامتی آن چیز و توانایی بی گیری و پیاده کردن آن در شرایط مختلف است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.

این روزها بازار بحث در مورد ولایت فقیه را هر طرف داغ است. اینکته ولایت فقیه در اسلام واقعی و نه اسلام طبقاتی رایج چیست و چه موارد و چه تاریخهای دارد. موضوع مقاله جداگانه ای است.



هفته هیولان مبارز سیدانند که «پدر طالقانی» در طول ۴۰ سال مبارزه خستگی ناپذیرش با رهاوارها بر خلاف جریان...

آنجا که پدر طالقانی «خلاف جریان شنا میگرد

آنجا که حرکت خود بخودی جامعه بسمت انحراف سازش و تجدید مناسبات کهنه است. شناسد مسیر خلاف جریان عین رهائی و تقوا است.

در سالهای اختناق پس از ۲۸ مرداد، پدر راه عسکر بزرگ را بای ریزی نهضت مقاومت و سپس نهضت آزادی ادامه داد

زمان حاضر که علوم اینهمه گسترش پیدا کرده اند، آیا در اسلام واقعی همین ولایت بر حکومت و بهار دیگر همین رهبری و شکل اداره، امور کشور (که فقط شرعی است) تفاوت وجود دارد. تفاوتی که شاید بتوانیم آن را برهان علمی سیاسی روز بخاطر نشان کنیم. روزی که حکومت شبیه کنیم. رها... خاسا...

در اسلام واقعی همین ولایت بر حکومت و بهار دیگر همین رهبری و شکل اداره، امور کشور (که فقط شرعی است) تفاوت وجود دارد. تفاوتی که شاید بتوانیم آن را برهان علمی سیاسی روز بخاطر نشان کنیم. روزی که حکومت شبیه کنیم. رها... خاسا...

در اسلام واقعی همین ولایت بر حکومت و بهار دیگر همین رهبری و شکل اداره، امور کشور (که فقط شرعی است) تفاوت وجود دارد. تفاوتی که شاید بتوانیم آن را برهان علمی سیاسی روز بخاطر نشان کنیم. روزی که حکومت شبیه کنیم. رها... خاسا...

در حاشیه مجلس خبرگان

رد «نظام توحیدی» نقض آشکار میثاق خونین شهدای انقلاب

نماینده مجلس خبرگان: ما با لفظ توحیدی مخالفیم. «نظام توحیدی» یعنی نظام بی طبقه و این کمونستی است!!

اجل از اصول پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی، اظهاراتی پیرامون حذف عبارت «نظام توحیدی» از متن پیش نویس...

پس از آنکه مجلس خبرگان در جلسه ۵۸/۲۱۱ و ۵۸/۲۱۲ تصویب نمودند که در متن اساسی قانون اساسی عبارت «نظام توحیدی» حذف شود...

پس از آنکه مجلس خبرگان در جلسه ۵۸/۲۱۱ و ۵۸/۲۱۲ تصویب نمودند که در متن اساسی قانون اساسی عبارت «نظام توحیدی» حذف شود...

پس از آنکه مجلس خبرگان در جلسه ۵۸/۲۱۱ و ۵۸/۲۱۲ تصویب نمودند که در متن اساسی قانون اساسی عبارت «نظام توحیدی» حذف شود...

پس از آنکه مجلس خبرگان در جلسه ۵۸/۲۱۱ و ۵۸/۲۱۲ تصویب نمودند که در متن اساسی قانون اساسی عبارت «نظام توحیدی» حذف شود...

طرح پیشنهادی مجاهدین در باره حل شورایی مسأله کردستان

مسأله کردستان در مجموع هیچ راه حل فزاینده ندارد. راه حل انقلابی و مردمی آن اساسا در برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت و اداره امور داخلی آن در چارچوب تمامیت ارضی کشور خلاصه می شود.

پس از آنکه برادر کشتی در کردستان جمهوری انقلاب ما را خنده دار ساخته است و بهر روز زمینه ها کبیره کبیره توسط رژیم فراموشی ما زود سازان مجاهدین خلق ایران در راه های به امام خمینی، طرح پیشنهادی خود را برای حل مسأله کردستان، به خلق قهرمان ایران و امام خمینی، ارائه کرده است. و ضمن آن متذکر شده که در صورت خواست رهبری، تمام آنچه را که در دسترس دارد به خدمت میگرداند. مسأله کردستان راه حل انقلابی قطعی خود را با زبانه و طبل و شش و پاره جنین رهایی و آزادی بکردستان باز کرده. و با کوشش صلح و عدل و وحدت هیچ اثری از خودنمایی و پوشش نه در کرده و نه در شهر بجا نماند.

در روزی که این نامه به شما رسانده شد، ما که اراکه قلیل از مجاهدین با و به ای غمی نوشته شده بودیم، از برسمیت نشن کردن مسأله طرح پیشنهادی مجاهدین خلق را ارائه میکنیم.

مجموعه سرزمین مسافران کنونی، سیاست کشور مسأله ملیت ما و مناطق کردستان را کند. ملیت ما را بجز در کردستان نیست که مسأله ما تاکنون کمتر کما...

مباحث ایدئولوژیک

امام علی روشهای انحرافی راست روانه و چپ روانه را محکوم می کند

انسان سرنوشت نهایی وجود شناسانه خویش (قیامت را) با عمل خودش بی ریزی می کند

اگر نتوانیم خود را با آهنگ سریع تحولات اجتماعی منطبق سازیم، اگر در هر شرایط برای حل مشکل مشغولیم، خط مشی درست و اصولی برای حل مسائل و قبل از همه، حل تضاد اصلی جامعه اتخاذ ننمائیم و به راست روی یا چپ روی دچار گردیم، حتما از دور تکامل جامعه خارج خواهیم شد.

مباحث ایدئولوژیک

امام علی روشهای انحرافی راست روانه و چپ روانه را محکوم می کند

انسان سرنوشت نهایی وجود شناسانه خویش (قیامت را) با عمل خودش بی ریزی می کند

مباحث ایدئولوژیک

امام علی روشهای انحرافی راست روانه و چپ روانه را محکوم می کند

انسان سرنوشت نهایی وجود شناسانه خویش (قیامت را) با عمل خودش بی ریزی می کند

مباحث ایدئولوژیک

امام علی روشهای انحرافی راست روانه و چپ روانه را محکوم می کند

انسان سرنوشت نهایی وجود شناسانه خویش (قیامت را) با عمل خودش بی ریزی می کند

انسان سرنوشت نهایی وجود شناسانه خویش (قیامت را) با عمل خودش بی ریزی می کند

گزارشی از مراسم بزرگداشت چهلمین روزگردشت آیه الله طالقانی در کارخانه نفث ملی

کارگران راه پدر طالقانی را ادامه میدهم

دکتر میمان: هدف از شورای این نبود که جایگزین مجلس مشورتی برای پدر و سرمایه دار و کارفرما درست کنیم

در اولین پانزده روز از راه پدر طالقانی که با آن با همکاران انقلابی در کارخانه نفث ملی واقع در جاده قدیم کرج دو روز جمع شدند. آنان با برپایی مراسم یادگاری به یاد راه پدر طالقانی یعنی تشکیل شورای راهی واقعی تا مرزهای نامیای بستند. در این یادگاریها یکی از کارگران در تفصیلاتی از طرفین معین چنین گفت:

یعنی از روحانی نشما و مفسر ماها زیان نشان را به نفع سرمایه داران، سطح نظامات طبقاتی، سطح مائیکرگزارن میگرداند و قنوار ما بر اساس منافع طبقاتی سرمایه داران تفصیل میکنند. تا انجام کنند آنچه سرمایه داران انجام میدهند از طرفین است در حالی که روح قرآن از آنان از مرتجعین تفصیل کویشا نیز راست و آنچه را به خدا نسبت میدهند از خدا نیست. به سرمایه داران و پلیسی مرتجع آنها آگاهانه به خدا و قرآن ترویج میدهند.

ما دیگر کارگران با مشت با هم گرفته به داد این شاعرا ما را بختند: بیام طالقانی شهادت است و شورا - بیام طالقانی، اسلام انقلابی - "سوز، آواز، دشمن سرمایه دار مرتجع، مرتجع ما سرمایه دار - به آمریکا گفته، به راجع گفته - درود خلق به خلق روح طالقانی، پس از آن یکی از کارگران بالارنگاه گفت: نهرا این پیام کارگران برگزار کننده مراسم را از دست کرد.

پیام کارگران ادامه دهنده راه طالقانی

بسم الله الرحمن الرحیم: خواهران و برادران کارگران درود بر شما - مجاهدان تشنه و منظم کمپروتران، "پدر طالقانی در حالی فرزندان را ترک گفت که صیقل سکران سرخوش قوانینی بود که میخواست بر اساس حاکم خود، بیخود میگرداند کارگران و محرومان اورا شدیداً تحت فشار قرار می داد. وقتی محبت از طبقات محروم وانستارنده میکرد قلبا قاریا حت بود، او میخواست که ما کارگران ما حاکم بر سرخوش خود باشیم..... پدر طالقانی با دیدن همین جریانات بی به ضرورت تشکیل شوراها می برد، و هر بار دبر می آورد که باید شوراها هر چه زود تروپا این شخصیات در تمام روستاها، مونسات و کوارها جرات برپا شود. تا طبقات پایین با لایحه بند، مستکبرین و غوغودها سرپا به دارها بروند دنبال کاروان کارگرها، رحمت کسان و دهقانان شصیت پیدا کنند، بر سرخوش خود تان را خوشان بندست گیرند..... از همین جاست که ما زحمتکشان غم طایع بدری بیشتر از هر نفس و طایع دیگر شین می کنیم، و از دست دادن او به قیمت از دست دادن حامی راستین ما شتمام شده است پس پدر را بورد طالب قرار داده می گردیم، ای ابانرا دیگر چه کسی می تواند همین تو بر سرمایه دارها فریب داری به انبهارا بگوید، بوازقی ما کارگران دفاع کنند.... ای ابانرا دیگر چه کسی با طرح شوراها: جرئت و ادعای خویشا شدن آتش جنگ برآید، بوزاد، و راه صحیح حل مشکلات را پیشنهاد می کند. ای ابانرا دیگر چه کسی حاضر است بگوید شوراها حق ما محرومین، حق شما کارگران، حق شما استعمارشدگان است و نکوید که این هدیه ما است ای ابانرا دیگر چه کسی نشون ابدا دگی در مقابل ارتجاع می را دارد که می خواهد شوراها را -

انطورها تصادف: پدر پس از چهل سال مبارزه با ارتجاع و استعمار در نیمه شب ۱۹ بهمن ۵۸ در حالی که سکران سرخوش شوراها بود در کار شهیدان به خاک افتاد. درود پیر طالقانی جامی زحمتکشان درود بر کارگران پیری خواستهای پدر طالقانی

کارگران واقعی میخواهند

آنگاه برادر کارگری از برق منطقه ای دربار مفهوم شوراها و واقعی صحبت کرد وی سخن برشمارای سوابق سبب زرونی کارگران بویژه کارگران صنعت نفت و برق منطقه ای، همواره شکل گیری شوراها یعنی نخست در سرمایه زستان گذشته در محلات تهران و شوراها ای هماهنگی اعتبارات در کارخانه هار اتو - فیج داد. سبب ظاهر تانسف خود را از ارتفاع مناسر نصیبه شده برق منطقه ای سویله علوم هاس به مقامها بالاتر اعلام داشت ووی از دولت بخاطر انحرافات از اهداف شوراها با طالقانی ویی محتوا کردن شوراها بنام پدر طالقانی شدیداً انتقاد کرد. اگفت: ما کارگران انسانیم، شخصیت داریم، میتوانیم و نباید سرخوش خودمان را در شوراها واقعی بدست بگیریم، ما صغیر نیستیم، قییم نمیخواهیم نمی گذاریم با تشکیل شوراها ای غیر یخی، هر وقت سرمایه دارها کمر کردند برای حل مشکلات خودشان یک شووری ما با می کنند و است را بگذارند شورا، نمی گذاریم سرمایه داران وابسته و کارگران و کارکنان را بیما هم بستند - زدنما خودشان که دشمن بزرگ ما کارگران و آلت دست آمریکا در ایران هستند از عمقه با انبارمان بستند.

با پاپاها بافتن درو دل - های این کارگر که در واقع محبت و پیام همه کارگران میهن ما در این شرایط مصوب میشود. کارگری دیگر انضامی اعلام می جویدت، جنبش کارگر از سلمان را که تشکیل می میشود با اعتماد به جا یعنی توحیدی و دریا پس شرایط مبارزه خدا مهربا لایستی است قراکت کرد.

اگر لازم باشد بجای یکبارده بار انقلاب

نیکمیم تاریخه استبداد، استعمار واستعمار را در اوریم (از پیام کارگران)

نیکمیم وهمه سختیایش را به جان میگیرم تاریخه استبداد استعمار واستعمار را در اوریم همچون تو تحت رهبری قاطع امام خمینی با هر عنصری که در جهت غنای کارگران قدم بردارد و از اسلام انقلابی منحرف شود و بخواید شوراها را ساغکی را بیا محمول کند مبارزه خواهیم کرد و تا تحقق آرمان تو که همان آرمان خدا و راه امام حاکم بهستی است از برای نمی بخشیم و تا آخرین قطره خون خودمقاومت خواهیم کرد و شریه آن شمش علی الذین استغفوا لپی لافش... اراده کرده ایم که بر محرومان و مستضعفین بی رحمت گذاریم و آنان را بیخوابان و وارثان زمین گردانیم. سازمان سرزمین بزرگوار یکبار و گویند ادامه دهنده راه پدر طالقانی ۵۸/۸/۲۵ پدر روحانی به شهید ایوست که نگران سرخوش شوراها بود پس یکی از عواهران کارگران رفاهه در وی بخش زدگی سازمان سرمایه دار و پیر طالقانی و شرح کرده بود و سخن خود را

سرباز را در کارهای برای پیاده کردن در علیغ فارسی تربیت می کند بلوفاست. برای اینکه آمریکا میدانده دیگر نمیتواند با تهاجم نظامی، انقلابی را سر کوب کند. اینرا دوروشتمان مغز - ببرد.... تجربه کرده... مسافران به غنمها اینس تروسا را راه میادارند و سبب است عا رجبی را بر میانی این ترس میگزارند که غب الان با آمریکا کاری نداشته باشیم چون تدرت دار و میگزراست علی مع فارس را اشغال کند و با ما را معاصرا اقتصادی بکنند. این نوع برغور از موضع ضعیف است. انگلی که خواست قدرت بزرگ شاه را عکست مدهن باید از امریکابتر - سده ای آمریکا است که باید از ما بترسد... اگر از موضع قدرت با آمریکا صحبت کنیم آمریکا است که باید تسلیم ما شود. اما مسافران بعضی سمولین این فکر را تمیکنند، فکر میکنند باید ملاحظه آمریکا را بکنند، میگویند حالا به فلسطینیها زیاد کمک نکنیم باید! آمریکا ننگر یونان ر است بخود، این اشیا هستند تمام این تهدیدها بوج است...

...اگر بختی از شوراها میبخواهد شورا این نبوده که ما یک مجلس مشورتی برای مدیر سرمایه دار و کارفرما درست

مضروب شد

بقیه از صفحه ۱ کرده تا هستی کوچک خویش را در راه هدف و امانش بگذارند، خود نابغه انتقار است، که هم نان میراث خواریو سومه بیان انقلاب نشند و غلغله مایه لوژیک خود را حفظ نماید.

یکی از این برادران سرخوش در دوران شاه نیز علاوه بر تحمل تکلیفهای چندین ساله تاهای اعدام مهرت است. چیزی که بنظر نمیرسد در سوابق افراد پاسداران نمابندگان خیرگان از صدر تا ذیل هیچ کدام موجودند.

بهر صورت جای بی تاسف است که در نظام حاکم چنین شوهبائی "سرپا" محکوم نمیشود. در این آچه که دست اندرکاران چنین توطئه های باستی ببانند این است که سر طلسیت بی پایان هم نیست، و برای همه بندبر تا تجار به حقوق خود دست روی دست ندهاوند گذاشت، و اما شرح واقعه: از ابتدای ورود خیرنگاران نشیره - مجاهد به مجلس خیرگان آنها به کرات مواجه با شصیتها و محدود پنهانی از جانب پاسداران مستفرد می شود. نطن برخی از نمایندگان بودنیک حک نمونه این فشارها و مزاحمتها میگرداری ما نطن این بنام الله ربانی شیرازی یکی از خیرنگاران "مجاهد" یک مقصود یک ماه پیش بوده، که گفته یکی از مسافران اینس با بدستور یکی از مقامات انجام گرفته بود.

چهارشنبه ۵۸/۷/۲۵ پس از پایان جلسه رسی مجلس خیرگان هنگامی که خیرنگاران "مجاهد" طبق معمول همراه سایر خیرنگاران به قصد کنگو با پاسداران نماز طلبه پایان شده بودند، پاسداران از زور و برادران ماهه محوطه نمایندگان جلوی می کنند، در این هنگام وقتی که یکی از برادران ما ماملت را از پاسدار مسکول راهرو سوال میکند، تا گهان پاسدار مبرز شوین سخن صحبتی بدست وی را با ماملت ولگد و سنگی سورد ضرب و شتم قرار میدهد. در همین لحظه فریب پاسداران هم فوراً "طرف او هجوم میبرد، در این هنگام یکی از سمولین بهر طرفه مجلس برادران را میچک کند. وان خارج میکند، و با ماملت انحرافات مجلس خیرود، در اینجا خیرنگار دیگر "مجاهد" که از نماز مطلع شده بود، در قصد رو به بانایه به پشت درآید. که در همان حین دکتربشایس وی را متوجه میکند، و بلافاصله با سایر پاسداران دستور می دهد که او را توفیق کنند. پاسداران نیز او را با عصمت در میان گرفته و بانایه دیکری میگویند. پس از نیم ساعت دکتربشایس بانایه برودری که دستور توفیق اراداده مبرورفته میگوید: "تو نباید در اینجا اعلامیه و روزنامه به کسی بدی، خیرنگار دیگر نیز حق ورود به مجلس را ندارد. در اینجا برادر ما میرسد مگر دادان روزنامه به کسی مرامت است پس نی از روزنامه ای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آزادانه در مجلس بخیش می شود؟ که دکتربشایس در جواب به او میگوید.

نیکمیم، کی همچین بختی مضر ج بود؟ کی آیت الله طالقانی تفسیری از شورا داده داد؟ مثل تفسیری که در طرح شورا دولت آمده است تا اینکه تعالیت شما کارگران پموری باشد که از آن کارخانه و کارفرما مدبرین ضم تمیید و تا راحتی شکست نهاد و اختلافی پیش نیا بدیمتی شورا کی در خدمت مدیر و سرمایه دار آیا مفهوم شورا در اسلام این بوده؟ ... وقتی وقتی اسلامی است که حق تعویب و قدرت را در همه بها در شاهر دره در کارخانه به دست مردم بدهد. این شوری ب مسواقی به بعد از آیت الله طالقانی تحت فشار شما و ملبو - که نفر از مردم ایران با تا کید است که امروز کردند بودید میبخواهد پهاه شود، آیا بیستی به این صورت پیدا ده شود؟ یا این طرحها و این کالبدی روح ویی جان خودشان اعلام کردند که مردم استقبال کردند، نخست معلوم است وقتی که قراست مردم در شورا هیچ قدرتی نداشته باشند که بایده ای داره.... دکتربشیمان با شما ز ذیل به مشوان نغرده، پیام طالقانی به سخنان خود عا تمه داد. وحدت مستغنا در شورا ایسیا محتوا بهام طالقانی است و اسلام ملیکم و رحمت الله و برکات

خبرنگار مجاهد در مجلس خبرگان شدت

آخر اینجا به روزنامه شما حسان هستند. خبر نداری آن را بدین کار باید حسس گفت، عا آرا دیده، بونه پاسداران دستورواد کربان را آزاد کنند، باید! ان را ابتدا از کار امثالوا کردند، بنوی - لاغرمه ایس اوزیک ساعت برادر را بنویزید دکتربشایشی برند. پاسداران در این هنگام قیر ما بانهای خود را برای یکدیگر ترمیم دادند، یکی از آنها به دیگری میگفت: "تافتت جرات نباید باشی بروم محکوم می گشت. توی گوشه ای وقتی به او لکت در م ترسیدم که از نشسته پنجره به بیرون برت شود.

صحن دکتربشایشی به برادری که مضروب شده بود میگورید، این درست است که در برداشت روزنامه "شاعت اسلام" وجود دارد، این سالیایی نیست ولی چرا سازمان مجاهد خلق حاضر نیست در مرامع خود تجدید نظر کند، با دیگر گروههای اسلامی همگسست برادر هستند و مبارزه رسانند تا در دست خود. من از شما میخواهم که این پیام برادر حرف ما به هر چه که برادران در سازمان مجاهدین برسانند... سپس دکتربشایشی به برادر ما گفت: "در حال حاضر یک برنامه تبلیغاتی علیه شخصیت های مثل من به راه افتاده است. اگر هر جای این ما جرات بردند، ایهام باشد، و دلیل تمام این حرکات قد شصیتی برای کسی معلوم نباشد، سخنان آقای دکتربشایشی در پامان، معق تفسیر هاد هه این حملات را روشن میازد، ساله اینست که در یک تکلام ارتجاع با منق و زبان خام خودش می خواهد به ما بگوید: کوتا میباید. از مرامع ساسی - آیدنولوژیکی تا دست بردارید. انتقاد کنید، حرف بزنید، اصلاح غله شوید! مواضع ضد بیگانه تری ضدارتجای وضاد استعمار طلبی خود را تری نمایند! بگذارید ما هر کار دلسان خواست برضمان انقلاب و این خلق و مپتر از همه مکتب و آیدنولوژی اسلام مایور! اگر شما حمله کردند، اگر مکرک - شان در دستم و ما سر مرتضی از گرفت، اگر شما در دستم و مضروب و شکنجه شوند، اگر به شخصیت و افترا زدند، هیچ نگویید تا وحدت حفظ شود! که جوهر و دشمنی تمام این حرکات وسخنان است، نتیجه تمام این صحبت ما هم این است که حال که از مواضع این گروه نمی آید، ساکت و مغف نمیشود، پس بخورید، بازم خواهید خورد! بازم اگر از مخالفان ان نشونید، ادامه دار! چرا مجاهدین در مواضع خود تجدید نظر نمی کنید البته شصتی بگنور هست، کابلا درست شخصیه دادمانند، ما زحمان از که مواضع ضد بیگانه تری وضاد امپریالیستی و ضدارتجای خود می ستادیم حساب این راهم کرده بودیم که گناگشت بروی جاسی گذاشتیم که همه ما بن فشارها و حملات ۶ بقیه در صفحه ۶

مردم و مجاهدین چند توطئه بر علیه مجاهدین

حمله پاسداران به شعبه بانک تحت عنوان مجاهدین خلق

ماهیاری عمو مردم و همه نیروهای متعهد را در برابر این توطئه ها طلب می کنیم

است. حتی یکبار و نزدیک بود که بر سر یکی از همین مسائلی درگیری خونین میان برادران یکی از کمیته ها با برادران ما در شعبه بانک اتفاق می افتاد که خوشبختانه با هتیار طرفین توطئه خنثی شد. با این معنی که به برادران مزبور چنین واگردیده بود که میبایست فردی را تهدید به دستگیری و قتل کرده اند. این تهدید نامه با امضا و مهر جمعی ما برسان گشت. تبریر برای آن فرادارسال شده و او هم آنرا به برادران کمیته ارائه داده بود. آنکه برادران کمیته با تسلیح و آمادگی کامل برای درگیری توطئه را ترک کرده بودند. تا جریا را تحقیق کنند. از طرف دیگر کمیته هدی مستقر در نارمک نیز بمقابل اینکده حمله ای از جانب ایادی دشمن در دفتر وقوع است. آنکه واقع شده بود. که خوشبختانه با توضیحات و هوشیاری مقابل طرفین از یک درگیری حتمی جلوگیری شد.

۱- حمله به شعبه بانک تحت عنوان مجاهدین خلق

حدوده هفتگی پیش یک تهاش تلفنی به بانک ملی ایران شعبه نارمک اطلاع داده میشود که احتمال دارد ده ای به بانک حمله کرده و سرقت نماید. گویا از مجاهدین خلق هستند. چنانکه در تلفن گفته میشود. ایسن اطلاع از جانب پاسداران ایمن است.

روز بعد چند نفر با داره شعبه بانک دیگری در همان نزدیکی رفته و با سلاح برای مسامحت از یک سرقت احتمالی موضع گیری می کنند. چند دقیقه بعد چند فرد مسلح برای حمله به بانک مزبور سر می رسد. که پاسدارانی که از پیش موضع گرفته بودند به آنها ایست داده و آنها هم فوراً دستها را بالا برده و میگویند "ما از مجاهدین خلق هستیم". البته چون این عیبه شب بازی بسیار ناشایسته آنها دفعه بود. کارمند آن از دیدن آن گونه که بیختر آریست باری کوهخانه" فیلمهای کارتونی را بیاد می آورد. میفهمد. چرا که بدیهی است هیچ دزدی بصورتی قبل از وقوع سرقت، اولین کاری که می کند معرفی خودش نیست. در آخرین منصفه نیز پاسداران مجاهدین دستگیر شده و با خود می برند.

ماضین جلب توجه دادستان محترم انقلاب اسلامی به این جریان سوال می کنیم که اگر کارگردانان محنه نیز از جانب پاسداران باشند آیا ایسن نشان دهنده نفوذ ایادها واک در میان آن برادران جانناز و زمختی و زرمنده نیست؟

همچنین از تمام مردمان میخواستیم که به مجرد برخورد با هرگونه مزاحمت و اغاذی و حادثه سازی که بنام مجاهدین در شرف وقوع است بلافاصله با مراکز مجاهدین تماس بگیرند. و تحقیقات را مواجوزا شروع کنند. حقیقت و پیرس و چو از سیاه با ساوان نیز در صورتیکه از جانب آنها اغاذی به شما داده شده همسایه ضروری است.

۲- تزیان کشیدن و خود را مجاهد خلق معرفی کردن

چند هفته پیش فردی در حین تزیان کشیدن دستگیر شده بود. به هنگام بازجویی در کمیته

نشاندگان ارتجاعی او را همچون توطئه ای برای بی اعتبار کردن نیروهای انقلابی و فرودگذاشتن می کنند. اولاً وقتی طرفان امپریالیست در آنسوی دریاها ما را تسخیر و رسیده که در رودرویی مستقیم نظامی در درآمدت هیچ تاسی برای آنها در مقابل انقلابیون مردمی وجود ندارد. نقشه های پیچیده تری طرح کردند. بر حسب این نقشه ها قبلاً از سرکوب قهرآمیز آنها فستی با یستی انقلابیون اصل را به انواع و اقسام روزها از میان برداشته شد. چنانکه به بیان لا مذهبی اسراف و انطفاطی گری. فضا سوال مردم دردی است. اما اغاذی و ...

بر حسب این نقشه ها با یستی بجای سپه های سابق رژیم شاه (که دستشان برای همه رو شده) و فریبیت ها و سازشکاران را بر سر خاک راه گشایه و آنگاه از طریق آنان نیروهای انقلابی را یک منفرد و منزوی کرد.

چنانکه ما در این چند ماه دسدم، کمترین روز و هفته است که با توطئه ای سرکار ردها خسته باشیم. از آنجا که وقاحت و سی چشم و روشی امپریالیستها و ترجمین خود رزمی شناسد. یک روز معلوم می شود که مجاهدین جا سوس بوده اند و روز دیگر معلوم میشود که مجاهدین در شعبه قمار با فساد و دارالافتخار دگر کرده بوده اند. یک روز هم معلوم می شود که یک کتافای آذری قبی اصولاً مجاهدین دزد و غاصب اموال مردم هستند!

از تمام مردم محنه عیلهی عوب ترتیب داده شده بود. عیلهی و سایل والیسه و داروهای یوانه را از بیماران بسته محمل استقرار میا هدین آورده بودند و روی کف اطفا آنها بطور مشمکزه کتفده ای بخش کرده بودند. دستبر قمار غیرتکا و مگاس و فیلمترازم در جا گشاده بود. اتا ایادی ساواک و ترجمین انقلابی تمام روز یک چیز را فراموش کرده اند. آری آنها نتنها خدا بلکه خلق را هم فراموش کرده اند. ندونمی بینند بله آنها نفسی اندکها و لیسن سؤالی که در این موارد نیست بسیاری از مردم بطور می کنند ایست که بیس چطور شد که این بقول شما جا سوس ها در ده سال و زهنگارها همیشه در خط اول صیبه بوده و خونین ترین نرد همرا با شکنجه و شهادت را در برابر رژیم شاه پیش میبردند؟ پس امروز اینهمه اسلایبها و مقدس ماها و انقلابی شماها که با خودند که ما را سگوت و رها پیفته کرده بودند؟

با اینهمه با زماننده هسانی ساواک و شرکای عقب مانده آنها اروپا نمی بینند. برای برتنه کن کردن انقلاب به هر طریق که شده و از مردم جدا کرد. همچنانکه می می توان برای غراب کردن یک باغ با فیاضی را تا بود نمود. بعد از کتار گذاشتن با سرکوب باغبان دیکر ملایبی هزاره سراسر باغ را فرا خواهند گرفت و قتال ها نیز بهترین قسمت محصول را بخود اختصاص خواهند داد. بهمین دلیل برای غراب کردن یک انقلاب نیز ایستاد با بداندالاییون و اقیمی آراک همان نگاهبانان انقلابند. سرکوب کردن خاندون بسیاری بی اعتبار کردن مجاهدین در نزد مردم از جانب کتاب و جزوه و بیمل امضا و همسازمان تان زورگویی و قلدری و اغاذی و تهدید به قتل و سونیه های زیاد و وجود داشته که سازمان برخی از آنها را طی اعلامیه های خود با اطلاع ما به مردم رسانده

یاد پند ...

کست که لحظات با " پدر " بودن برایش درس و خاطره نشده باشد؟ دهرنشست و در هر برخوردی که با پدر داشتیم درسی آموختیم. از زندگی کودکی، از گفتار، از عملش. همه چیز برای ما آموزنده بود. لیکن تا بحال فرصت نشده بود که درسهای پدر را جمع و جور کنیم. فاجعاً دست دادن او برای ما بود که به این فکر میفتیم، تا در هر شماره بمناسبت و در همین ستون درسی از پدر را با شما در میان بگذاریم. در زندگانه داشتن یادواره پدر شایسته با همگام شوید، هر چه از یاد و یادواره پدر دارید برای ما بفرستید. حیف است که درسهای پدر در کتب منصرف به یک نفر یا یک عده خاص باشد.

خاطراتی از پدر طالقانی

هر وقت خواستید نوآوری کنید، آنوقت همه گوش برنگها شروع می کنند به سبک پرانی

اگر بوجدت اعتقاد دارید، پس این کارهای ضد وحدت چیست؟

گاهی وقتها که پدر ما را می پذیرفت از وضع و حال ما می پرسید، او اینکه چه می کنیم و چرا می کنیم، و در هر مورد که ضروری میدیدارشان ما را میگریه بعداً " وقتی از خود پدر پرسیم گفتیم هر چه را که گفته بود و گفته بودیم برای ما برتر از آن تعریف میکردیم. این تعریف ها گاه گاه چندین بار تکرار می شد. تکرار بخاطر مصیبت و همپراستی پدر و بخاطر حرفها و راهنمایی های پدر و مخصوصاً " بهما طرز نظرها و مسائلها و عیلهی مردمی که در توضیح مطالب از آنها سبک میکردیم.

مرور خاطراتی که از پدر داریم همیشه انگیزنده و آرام بخش بوده است. ایستک چند خاطره مثال ماشین دودی و سنگ پراتی معاندین به هر حرکت جدیدی بکار که خدمت پدر بودیم و از جور و زما وطن و لمن معاندان در خدمتشان کله میکردیم. ایشان می پرسیدم: " خرابی چه دفعه



راستی بچهها چطور باور کنید که بی پدر شده ایم؟ آقای ما مرد ۱۲ نه ۱ نه ۱۲ که میشه همچون پدری بمیره ۱۲ نه ۱۲ ما یاد به بچههای همسایه ما که کوچکترها بکشد پدر مرده، نه بگذردت سفر، اگر پرسیدند سفر پیش کی؟ بگن پیش خدا، اگر شناسنامه " پدر " را که برای باطل کردن زندان موران شریف آمار بردند، آنها هر کس حاضر نشدند مهر " باطل شد" بر روی شناسنامه بزنند بجای آن نوشتند: " برای امامیهی زندگای"

نمی کنند. با اینهمه کارهای معمولی بدست آوردیم که گویا مورد سوء استفاده های بیگانه (مانند حزب دمکراتیک) آنها را نمیدانیم) درمندان و در کردستان واقع شده است. بدینوسیله توجه مردم عزیز آن سامان را به ایسن مجهولات جلب نموده و تقاضا می کنیم هر چه زودتر آنها را با اطلاع نزدیک ترین مرکز رسی ما از ما رسانده و از عقیبت ما ما را مطلع شوند.

فایل توجه آقای دادستان انقلاب

توطئه های دیگری نیز که یکی از آنها را به دادستانسی انقلاب هم جهت اقدام مقتضی اطلاع داده ایم در جریان است. که بعد از تحقیقات لازم آنرا با اطلاع عموم خواهیم رساند و فعلاً در انتظار تصمیم و اقدام دادستان می درموردی که گفتیم هستیم.

بعنوان مثال یکی از پاسداران کاغان گفته است که در نظرات ما که در کتابی مینی بر مغزیت مجاهدین تهیه شود ما متذلل لزوم در کردستان از آنها استفاده شود. یک فردی که کسی نیز خود را در کردستان مغرماً هدین معرفی کرده است -

رد نظام توحیدی نقض آشکاره میثاق خونین شهدای انقلاب

تدمیم که به روشه یایی و تشویح دقتیز تر موعود غوق در این شریعه بپردازیم :

گفت و شنودی از مجلس خبرگان

ابتدا برای آنکه جای هیچ گونه گفتگو باقی نماند، مین سخنان نمایندگان را در این جلسات که مستقیماً از سوار پیاده شده در اینجا می آوریم :

... آنجا الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که من با یکی از شما هم میگویم که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

بلیغه از صفحه ۱ نیست

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

... آنجا آیت الله منتظری : آقای کاشانی بیست و سه مرتبه فرمود که این نظام مستحکم است و در قانون اساسی کارهای ما نیست که در نظر داشته باشد که در معنای ما نیست ...

ویژگیهای ارزش مردمی

ارزشی که در زندگی اجتماعی و تولیدی مردم شرکت نکند، در سازندگی جامعه های آزاد و برابری از استثمار فاعلانها و وارد نشود، هیچگاه ماهیت مردمی پیدا نخواهد کرد

- نموده های تاریخی صدر اسلام
تاریخ اسلام عاری نموده های
ارزنده و وسیعی به بر پایه از تجاریستی
آموزنده از هر دو نوع این ارزشهاست.
آنگونه که تاریخ طبری جلد ۴ صفحه ۱۵۹
نقل میکند ، رهنمود مسلمانان در صدر
اسلام ، هنگامیکه هنوز به انحراف کشیده
نشده بود ، اصول زیر بود .
۱- از اصول اسلام هیچگاه
انحراف نگردید ، هدیه های مقدس ما را
همواره در نظر داشته باشید .
۲- از راه عدالت بیرون نروید .
۳- در جنگ با کارگران بدین عهد
نبرنگ خود را کنید .
۴- با آزار انسانها نبروزید .
۵- کودک را نکشید .
۶- با مدغوردگان آسیب
نرسانید .
۷- دعوت خالصانه و صمیمانه
راهبازیرید .
۸- درختان را از زمین نبرید .
۹- حیوانات را جبراً برای نیاز
غوراک خود نکشید .
همانگونه که متعده می شود
سپاهانی معتقد به اصول اسلامی ، و با
بهرت دیگر ارزشی که برای دستیار
فتن با عبادت پاک توحیدی ، با شایسته
استخراجگران می کنند ، نتوانند به آزار
انسانها نبرازند ، کودک را نکشند .
عکس این رابطه نیز صادق است . مزد
ورانی که زندگی مردم بی پناه را به آتش
میکند ، جان انسانها برای آنها پیشی
نی آرزو ، و از اعمال هرگز بهترنا و وحشیانه
و غیرانسانی حتی به زنان سالخورده و
کودگان نیز آمانی ندارد ، متعنا به چیزی
گونه سختی و ناشایستی با اید و بلوی
حق بیوی اسلام ندارند ، بلکه دقیقه
همان ارکان مستحکمی است که در زمان
بین حق و باطل حکومت به زوال و از بین
راندن است .
همانگونه که بغض می اندک
شاهده میکنیم هنگامیکه اجتماع و جاهلیت
عرب ، تحت لوای اسلام ، علی کاشانی
و اید و برادران فرزند اسلام را کس و
مزید ، خلفای معلوم الحالی نظر بران
آنچنان سیستم پلیمی ایجاد میکند که
بقیه در صفحه ۸

ارزش خلقی باید دارای مناسباتی خالی از تمییز و اختناق و بدون از اطاعت کورکورانه باشد

هنا بطوریکه در کلیه جوامع طبقاتی و در طول تاریخ مشاهده میشود ، تمام طبقاتی موجود در این جوامع به شکلی در خدمت نبروفا و طبقات حاکم است . از امکانات فوقی ، فرهنگ و اداری گرفته تا نظریات ، چرا که در زمان اعلی تا بدین سطح بین دو جنبه خلق و مدخلی ، طبقات استثمارگر برای تحمیل دوام سلط خود احتیاج به هرگز ، هرگز در این در این حرکت نبروفاهی صحت ستر را میگردد . از طرف دیگر از آنجا که طبع این چهار کواکب سرزمینهای دیگر این چندین نبروفاهی بدین سطح ، هرگز این چهار کواکب را نگردد . برای مشاهده عملکرد و عمل وجودی این جنبه و ابزار همین ارزش کاشانی است نظری به جنگهای بنشاری میکنند که کلیه طبقات زان بر این است .
ولی از طرف دیگر طبقاً نیز با افزایش فشار و استثمار به وجود حقیقت این طبقات ، و از برودن راههای فشار و کژکون با نبروفاهی ، با وجود این مبر این تعاد نمی بخورد فیراً می برند ، و ارزش خاص خود را بوجود می آورند ، سزالی که اینجا مطرح است این است که این دونوع ارزش چگونه قابل تضاد ؟
بهرت بر این که مردمی و سزالی ، با هر یک از این دونوع ارزش برای تحمیل دوام سلط خود احتیاج به هرگز ، هرگز در این حرکت نبروفاهی صحت ستر را میگردد . از طرف دیگر از آنجا که طبع این چهار کواکب سرزمینهای دیگر این چندین نبروفاهی بدین سطح ، هرگز این چهار کواکب را نگردد . برای مشاهده عملکرد و عمل وجودی این جنبه و ابزار همین ارزش کاشانی است نظری به جنگهای بنشاری میکنند که کلیه طبقات زان بر این است .
معیار ما در این ارزیابی چیست ؟
بطوریکه میتوان گفت کار ارزشها را بنا بر عملکرد و عملکرد نشان یافته ها معیار شناخت ، و از این مورد ارزیابی

برداشتن از خطبه پنج بلاغه (۳) بقیه از صفحه ۱

مخالفه کار می باشد؟ تاچه غنّه در میان مردم با یکدیگر دارد آتوی ده ها جا اندازه آن اعتبار ندارد؟ آیا بیاض آگاهی و پویایی مردم بدان حد رسیده که مناسبت شایب و فرست طلب را شناخته و آنها را تصفی و طرد کند؟ کشوه تصمی گیری چگونه است و میزان دخالت اراده مردم در تعیین سبب شفقتان تا چه حد است و اجناس بندیه و تضادهای نیروهای سیاسی جامعه و مملکت آنها و... همچنین منظور از موفقی گیری و معنی سیاسی مبارزات و راه ها و شیوه های است که برای حصول مسائل و تضادهای جامعه (و پهن از همه تضاد اصلی) در رهبرها - یک شخص اتخاذ می شود. اکنون با توجه به توضیحات فوق به بررسی مختصر شرایط سیاسی جامعه ای که علی در آغاز زمان مداری خود، اداره و حسن مسائل آن را میده و آورده بود، میپردازیم. تا ببینیم او در آن شرایط چه موضعی اتخاذ میکند، بررسی شرایط سیاسی جامعه در آغاز زمان مداری علی

توضیحاتی که در این زمینه در کتاب امام علی آمده مینا نقل میکنیم: تا روشن شود علی (ع) در چه شرایطی قدرت را بدست گرفته است: در ۲۲۷ هجری قمری (۳۳۰ میلادی) ... آنجا که دولت از آن هم بزرگ امر اتفاق نظر ندارد... آنجا که پراکندگی در میان نوعی مختلف مملکت ایجاد شده است که هرنا میسبای است، مینکند خود شایسته حکومت گمان، نه دیگر نوعی، حتی گمانی که از مدتها پیش بر روی رهبری آگاه شده اند، بر سر طمع، مطاع گردیده اند. با اینکه قبلاً با هم متحد و به نام تپله خود متحد بودند، و دیگر قبایل از آن میترسیدند و تحت فرمان آنها بودند، اکنون هر کدام، با شهنشده شده، بنام خانوادهاست، شناخته میشوند. امروز دیگر قریب نیست که تمام جزیره - المرید در دوره جاهلیت و در روزگار نخستین کوفتافسی اسلام، تحت فرمان آنها باشد. هدف واحد گذشته های باشکوه شان که باعث شده بود گردنها را در برابر خود به اطاعت در

امام علی روشهای انحرافی راست روانه و چپ روانه را محکوم میکند

شرایط آغاز کار خود را چنین توصیف کرد: " برای امر انقلاب، بجا غایت، هنگامیکه نیروهای مردم در ضعف و ناتوانی قرار داشتند، خود را آشکارا نمودند. آنگاه که ایشان سردرگریان بودند، و گویا عدم وقتی که آنها را مانده بودند، و بنور خدا گذشته و بنستغارا شکست، زمانی که ایشان حیران و سرگردان بودند... (خطبه - ۲۷) و با در غلبه شغفیه، درباره موضوع نیروهای جامعه پس از بیعت میگوید: پس چون بیعت مرا قبول کردند و بر امر خلافت مشغول گشتیم جمعی بیعت را شکستند و گروهی از زیر بار آن خارج شدند، و بعضی از اطاعت خدا بیرون رفتند... در خطبه ۸۷ نیز در باره همین پراکندگی و عدم تفکک و عدم وحدت نیروهای جامعه مدناز میده: " پس گفتا (و چگونه به گفتت نهایم از خطاها اشتباهات این قریه های گوناگون، که دلیلهای ایشان در پیشان با یکدیگر اختلاف دارد. از دست هیچ پیا پیروی، بیروی نکرده و به گردار هیچ وجهی تقسدا نمی نمایند... در ادامه این غلبه حضرت

اهمیت موضعی گیری ها و خطوط سیاسی عملی از نظر امام
امام در اینجا قبل از هر چیز اهمیت این موضع گیری ها و شیوه های اصولی حل مسائل را یاد آوری میکند. از دیدگاه توحیدی علی، تکلیف ها و شیوه های مبارزه نیز در کنار هدفها و آرمانهای

علیه خود محوری برخی افراد و نیروها اشاره میکند، و آثارنا بها طرفداران اصول و معیارهای شخصی و نیز عدم تمیز از یک رهبری ذیصلاح مورد سرزنش قرار میدهد. در خطبه ۲۷ نیز امام از باطن بودن سطح آگاهی توده ها اظهار گلایه میکند. موقعیت نیروها و شرایط سیاسی در آغاز رهبری علی به اعتبار در خطبه ششقه شرح شده است. از مجموع بررسی های فوق چنین بر می آید که ملی در دورانی رهبری انقلاب را برعهده گرفته که: " اولاً توده های مردم، هنوز از آگاهی و بینش مکانی سیاسی برخوردار نشده اند. ثانیاً: اقتدار آگاه مردم،

سران و وهبران قابل دربارا که - کی و تفرقه شدید بر میبرد - ه اند. ضمناً هر یک دارای مواضع و ادعاهای نیز بوده اند. ثالثاً: جریانهای انحرافی و فرست طلبی بحدت مشغولتکنیک و تکیه بر موقعیت خویش اند. بطور کلی علت این عدم انسجام و پراکندگی را باستانی از یک طرف و نپویایی حرکت انقلابی جدید و نپویایی در جهل بلای. آسیب پذیری آن دید، و از طرف دیگر ضعف ملی رهبری بعد از رحلت پیامبر است. نمودار از اکنون با توجه به شرح بحات فوق، سراغ اصل مطلب میرویم تا ببینیم علی در این قسمت از خطبه در رابطه با شرایط سیاسی جامعه چه موضعی اتخاذ کرده، و چه راهی را در پیش گرفته است.

پیشرفتهای تقابلی
سین امام علی خطاب به آنان که می خواهند به راه خدا و خلق گام نهند، با الهام از یکی از توامد سبب تکامل (اصل شتاب)، خاطر نشان میسازد که تنها آنها را بر ستکار خواهند شد که در امر مبارزه و قیامه وظایف و مسؤولیتها را تقابلی و تکلیفی بینتوا زبوه، و نوانسته باشند با گامهای سریع و پیگیر باشد بحالات و تغییرات انقلابی حاصل کنند: " گام سریع تنها (آنها) که دست اندر کار تقابلی پیگیر و سریع هستند، بحالت پیدا خواهند کرد... و ظایف بی تقابلی و شتاب اما آنانکه به کنند و در دنهال جریانات حرکت میکنند، از آنجا که از قانون تکامل سر باز زده و خود را با اقدام سریع تحولات منطبق نساخته اند. و بیفتن از مبارزه و جهاد نبوده اند، فقط میتوانند آینه بد به نجات و رهائی داشته باشند. بهر حال این دسته گروهی در مقام مقدم بوبندگان راه خدا و خلق نیستند، ولی همین قدر که لنگ لیگان هم که شده، خواهان در نور دیدن راه حق و همگامی در جریان اصل و بیفتن از هستند، به ما قبت عن امید هست اما دسته سوم یعنی آنها شبکه است که هاه و در اثر وابستگی ها و بیایلات طبقاتی خویش تن به تسلیم و سکون داده اند، فرجامی جز سقوط در آتش نخواهند داشت: " و مُمْتَرُ قِي الْكَا وَ هُوَ (و کسی که کوتاهی کرد در آتش فرو خواهد افتاد.) همان فرجام شوم و دردناکی که بحکم خدا و تکامل، و بحکم تاریخ و فنانو - نندبهای اجتماعی در انتظار همه نیروهای است که از جهل و غلبه غلط غارچ شده و با اردو گسیاه باطل و غد غلط سازش نموده اند، همان نیروهای عقیمانه و و و و و گرافی که نه تنها رده ریزایی ندارند، بلکه بصورت سدی در برابر حرکت نیروهای انقلابی و بالنده عمل میکنند.

خطه مشی اصولی و انقلابی و شیوه های انحرافی
سین امام علی وارد بحث بر روی مسائله انحراف در خط مشی سیاسی (چپ روی و راست روی) و معرفی خط مشی اصولی یا شیوه حل تضادهای

تخصصی ندارد... پس بدرجه ما تومیه کرد که امراری نداشته باشیم که در این گونه صبرها کار کنیم؛ بلکه با یکدیگر برویم کار را با سه از روشن کردن اذهان و قلوب مردم شروع کنیم.

انقلاب الجزایر: "عدد در آسمان بی ابر"
تبریک نیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزایر

آنگاه که روزی رسد که علی از ادعای تکند بر سر تو شست است که پاسخ دهد بر شیب است که روشن کردد بر زین صبرها است که باره شود

همین مانده است که روزه هم بتواند آن غوب انشاهم شمارا غظنا کتر می بهند، اینکه

خاطراتی از پدر طالقانی
کار را اساساً از روشن کردن اذهان و قلوب مردم شروع کنید

همین مانده است که روزه هم بتواند آن غوب انشاهم شمارا غظنا کتر می بهند، اینکه

(طریق لوسلی) میبود. "الْمُهْمِينُ وَالْإِطْلَاقُ مُفْلًا وَالطَّرِيقُ لُؤْنُطِي هِيَ الْكِبَادَةُ" (چپ روی و راست روی هر دو انحراف لوسلی هستند. راه اصولی و شیوه صحیح همان "طریق لوسلی" است.) باید توجه داشت که "چپ روی" و "راست روی" که در اینجا بعنوان شیوه های انحراف فی مورد تیکوش فرا گرفته است، "چپ" و "راست" به معنای مخالف وضع موجود (چپ) و موافق وضع موجود (راست) و با درجه ترقی خواهی متفاوت است. ما بحث در باره این موضوع را به فرصت دیگری موکول میکنیم. آنچه در اینجا درباره چپ روی و راست روی با اعتبار تمام میتوان گفت این است که: "چپ روی" و "راست روی" به طور کلی تا نظریه ای بسته از راه حلها و با خط مشی های سیاسی انحرافی است که با شرایط زمانی و مقتضای نبوده، و نه تنها به حل مسائل تضادهای اجتماعی، بلکه در جا زدن و پاک کردن بیشتر گروه ها را باعث میبود، چنانچه شیوه ای که برای حل تضاد اصلی ارائه میگردد، عقب تراز از ملی باشد یعنی مرحله آن چیزی شده باشد راست روی و اگر راه حل مربوط به آینده باشد یعنی زمان بکار بستن آن هنوز نرسیده باشد، بیروی نامیده میشود. راست روی و چپ روی به طور کلی، پشت و روی یک سکه هستند. و در هر حال عملکرد زیا نیاز به بود دشمن تمام خواهد گشت. اشاره؛ علی به راست روی این سخنان به آنها می است که از موضع محافظه کارانه و سازشکارانه را از بر سر دور قاطع و انقلابی با مواجبه و داروست منصرف طلعه وزیر بر خرد میداشتند، و امام را به معاشات با آنها و ایفاء حکومت معاویه توصیه میکردند. (یک معنای دیگر راست روی، در جا زدن در مراحل کشی و بی تقابلی نسبت به جهن و اقدامات قاطع و انقلابی است.) همچنین در اینجا باستانی از آن دسته از افرادی یاد کرد که در مواجهه با تضادها و مشکلات از کار بر سر حمله گریزان بوده و میخواهند با اقدام عجولانه با اصلاح از روی مشکلات فرار نمایند. نه آنکه با شکستهای انقلابی و حل کردن مسائل آنها را از پیش با بر خدا روند. (مفهوم چپ روی در حقیقت سوزاندن مراحل کشی در حل تضادهاست، یعنی عدم توجه به این مسائله که مراحل و کیفیتهای نوین بدون گذار از مراحل کشی و تدریجی امکان ظهور نمی یابند.)

فیلم شهادت، شهادت بی پیام
بقیه از صفحه ۱۰

چرا که اگر ما بدون آرزوها، کم بها، دهیم علاوه بر آرزوها کردن آنها خود را نیز از بین خواهیم برد، چیزی که مهربانست فیلم شهادت نیست تا باید این فیلم امولا" ارزش حتی چند سطر معرفی کردن را هم نداشته باشد. زیرا میقتاداریم که نیشود با خون مردم تجارت کرد و نمیشود "آیات" خدا را فروخت و هرگز قادر نخواهیم بود، و نخواهد بود که ندا کارهای علمی را مورد معامله قرار دهیم. لیکن همه درس و تجربه ایست که میشود از فیلم گرفت و متوجه هر چهر در دناکی بود که پهنه هنر مملکتان را تصدیق میکند، خطری که عوامی خواهی بقیمت لوث شدن ارزشهای انقلاب میم تمام میشود. "تدرسی که دلاور - نه مرگ را انتخاب کردند و هر صبح و شام یک امید و یک آرزو داشتند: شهادت.

اسنادی از توطئه های سیستم آریامهری (قسمت دوم)

تلاش ژنرال هموزیرو همتای ایرانی اش در غیر سیاسی نگه داشتن ارتش خلاصه میشد

ارتشبد فرهباهی عامل حفظ منافع امیرالایم در یک انتقال آرام فسدت؟ اکنون بحاجت و تحت حمایت کیست؟

طبق وعده ای که کردیم، در این شماره نیز یکی دیگر از اسناد توطئه های رژیم فاسد پهلوی را مورد بررسی قرار می دهیم. این سند نوعی حمایت مربوط به ارتشبد فرهباهی، وی آخرین رئیس ستاد بزرگ ارتش ارتشبدان رژیم شاه و کارساز و دلال سیاست نظامی آمریکا و به اصطلاح همتای ایرانی هموزیرو می باشد.

پس از آنکه سیاست آمریکا با ایجاد تن به برکناری شاه داد، هموزیرو را متوجه کرد تا برای ارتش ایران را برای حفظ منافع نظامی آمریکا برای یک انتقال آرام قدرت راضی کند. در این صورت آمریکا به هدف خود، یعنی خارج کردن تجهیزات نظامی سرتی خود و حفظ شرایط دست نخورده شاهنشاهی، می رسید. ارتشبد فرهباهی و شاهنشاهی چنین سامعای خائفانه بود. برآستی او کجاست و تحت حمایت کیست؟

ولی مضمین نشان میدهد که مربوط به دوران اوج نفیست است. دورانی که وفاداری ارتش و کارگزارانش در سرکوب قیام خلق سر برعلت سؤال قرار می گیرد. به خصوص به آن جهت که نقطه قوت ارتش از نظر رژیم آن بود که با نهایت اذیت برنامه تفکرزدائی و مخزومی در آن کشور به مورد اجرا گذاشته شده بود و در اجرای ارتش وظیفه و رسالت آنرا شناسایی

موزی پرسنل خود میدانستند. ارتشبدان معمولاً تاگاهترین افکار جامعه نسبت به واقعیت جریانات اجتماعی بودند. و به این سبب برای سرکوب جریاناتی مرفعی و انقلابی و توده های بیچاره می توانستند مورد استفاده قرار گیرند. اکنون با گفتمان ارتش به خیابانها و رو در رو قرار دادن ارتشبان با مردم تحت شتم و جحامت و دستهایی که بی پروا افکار می کردند، و با شیروا به دنبال شهادت می رویدند، آیا میشد گمان بر جبهه و ناگانای نیروهای ارتش متکی بود؟ و به اصطلاح بر غیر سیاسی باقی ماندن ارتش تکیه کرد؟

پارهنک استعماری و شاهنشاهی آشنا شویم

رئیس ستاد در اینجا میگوید شکها را زایل کند، و به آریامهری در مورد ارتش و مابعضی از سرکوبگران اثر مطمئن خاطر بدهد. نوشته استنبور شروع می شود. در این روزها که سپهر استاده حوادث تمدنی بوده است، نتایج طبعات کشور به نفع از غیر کارگزاران خارجی مبالغه انگاران خود، باور پایه شایعات مطلقانی را در مورد ارتش تا هفتای عنوان کرده اند. ارتش تا هفتای در هر مورد وسیله طبعات موارذ خلاف را روشن کرده و توضیح داده است

این نوشته تا سالها تاریخ بنام دارد ولی مضمین نشان میدهد که مربوط به دوران اوج نفیست است. دورانی که وفاداری ارتش و کارگزارانش در سرکوب قیام خلق سر برعلت سؤال قرار می گیرد. به خصوص به آن جهت که نقطه قوت ارتش از نظر رژیم آن بود که با نهایت اذیت برنامه تفکرزدائی و مخزومی در آن کشور به مورد اجرا گذاشته شده بود و در اجرای ارتش وظیفه و رسالت آنرا شناسایی

در حال حاضر است. بدیهی است که حمایت از انقلاب فلسطین به مثابه پشتپاز انقلابات منطقه کا انقلاب ایران دقیقاً در پیوند کامل با آن سمت راستین بین المللی آن را باز می ماند. نمک وظیفه موزی و اخلاقی و نه یک صدق پرورداری بین المللی، بلکه یک فریضه اجتناب ناپذیر عقیدتی و سیاسی است. فریضه ای که بدون قیام به آن انقلاب ما، که از رزق عدا امیرالایم است، منتقلی و جهانی اش محروم می شود. خود همچون دروغی تنها، در صحنه ریزگار زمین المللی فرو میخورد. لذا اکنون که پنجاه هزار اسیر فلسطینی با اعصاب غذایی و جسمانی خود مستعدی دیگر از نبرد یک روزندگی یک ملت کبیر را در پیش میلهای زندانیهای محرف آریامهری به آریامهری گذاشته اند، بار دیگر برآید ما بریم که بروی زبهای خود را تا چه حد بیرون کشیم و حمایتی سیرخ انقلاب فلسطین هستیم. بهاد ما میرویم که در اوج سالیهای عقاب، انقلاب فلسطین تحت رهبری سازمان پر افتخار الفتح (سپه، مدرسه و محل تدارک کسب) از آزادگان و انقلابیون ایران بود است. آری در آن سالها فلسطینی مهاجر و آواره علاوه بر برجی وطنی و غربت خونبار خود، در سرزمینی ویدرانی انقلابی، آریامهری، انقلابیون و آریامهری در یک ویرجی ویرجی ویرجی که خود در این جهان خاک و باگهای نداشت، با یکباره انقلاب و انقلابیون ایران شد. این نشانها به از او گزینی رژیم شاه، و برخلاف تمام روزها و ماهها با یکبارچه همه مردم ایران برله فلسطین و شخص برادر با سرعزفات که قبل از فلسطین و پرواز کرد تا نخستین تنهت گوی بهار آزادی باشد خبری از حمایتیهای مادی نشنیدیم.

نیاسبت هفته اعتصاب زندانیان سیاسی فلسطینی عقبه از صفحه ۱۲

است. اینان در بدترین شرایط زندگی می کنند. و زیر شدیدترین فشارها و شکنجه ها قرار دارند. این انقلابیون زیر دست شکنجه گریهای درگروگر و زندگی مستهزک در گوشه های شکنجه آمیز کشی اسناد جلادان رژیم آریامهری بودند و اسوارک و کمیته ضد غربانگاری را آموزش میدادند. انقلابیون فلسطین زیر این فشارها، عده ای در زندانها زیر شکنجه ها شهید شدند. برخی امداد کرده اند. برخی در شرایط سخت زندان جان سپردند. عده ای نفس مضو پیدا کردند. چه بسیار خانواده های که با گذشتار خندند. در فراغ عزیزان انقلابی شان بوختند. با فرزندان خود را در پشت میله ها باخته اند و در توتان داشتند. بسیاری راهی شان و محقق و آرتشبانان کردند. و نه تنها راهی فرزندان خود را ندادند، بلکه برای یک بار در بداران نیز با موفق ماندند. در چنین شرایطی سیاسی ایمن زندانیان فریاد اعتراضی بر آوردند و از همه انقلابیون جهان استمداد می طلبیدند. استمداد ای انقلابی که به سر و جسدان های خلق ها کار ساز می افتد. ما نیز بر مبنای مسئولیت ایدولوژیک و همچنین تبعه انقلابی مان نسبت به خلقها، در مقابل هر شهیدی که در هر نقطه از جهان در مبارزه با امیرالایم بوده و با هر آسیری که در هر نقطه از عالم در بند امیرالایم است احساس

نیاسبت هفته اعتصاب زندانیان سیاسی فلسطینی عقبه از صفحه ۱۲

نیاسبت هفته اعتصاب زندانیان سیاسی فلسطینی عقبه از صفحه ۱۲

نیاسبت هفته اعتصاب زندانیان سیاسی فلسطینی عقبه از صفحه ۱۲

